خراسان روزنامه صبح ایران
یک شنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۶ . ۱۴ ربیع الاول ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۶۹۷

علی سهیلی
(۱۳۳۷-۱۲۷۴ هـ.ش)

سیاستمدار دوره قاجار و پهلوی و نخست‌وزیر ایران در زمان اشغال کشور از سوی متفقین، پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ بود. او زمانی زمام امور را به دست گرفت که کفه ترازوی جنگ به نفع متفقین تغییر کرده بود. در زمان سهیلی، کنفرانس تهران در محل سفارت شوروی برگزار شد؛ اما سران متفقین، ایران را در جریان مباحث مطرح شده در کنفرانس قرار ندادند. وی چند دوره سفیر ایران در برخی از کشورهای آسیایی و اروپایی نیز بود.

تاریخ معاصر

شاه برای چه و برای که می نوشت؟

رضاخان پس از رسیدن به قدرت، مکتب‌خانه‌های دوره قاجار را تعطیل کرد و نظام آموزشی نوینی را به وجود آورد که به صورت کامل تحت نظر دولت بود و به یکی از پایه های اصلی اقتدار پهلوی اول، در راستای کسب مشروعیت تبدیل شد. این امر، در دوره محمدرضا پهلوی نیز ادامه پیدا کرد؛ اما وی افزون بر رویکرد پدرش که مدارس را تحت نفوذ دولت درآورده بود و به ترویج ایدئولوژی مد نظر خود می‌پرداخت، به تألیف کتاب دست زد. برای اقدام پهلوی دوم به نگارش کتاب، می‌توان دلایل متعدد و متفاوتی را برشمرد. از بعد روان شناسی، ماروین زونیس در کتاب «شکست شاهانه»، به‌خوبی شخصیت شاه را بررسی کرده است. به عقیده وی، شاه به دلیل ضعف، سستی و تزلزل شخصیتی ناشی از دوران کودکی، شخصیتی قوی و مردانه نداشت و همیشه در تلاش بود این خلأ شخصیتی را پر کند. وی در کودکی بسیار مورد مراقبت قرار می گرفت و به دلیل سرکوب‌های این دوران، به دنبال الگوسازی از پدرش در ذهن و عمل بود. شاه از همان دوران نوجوانی می کوشید تا وی را در سطح بالایی بپذیرند و هر جا حضور می‌یابد، مطرح باشد. او از این که تحقیر شود، به شدت می‌هراسید و چون فاقد استقلال شخصیت بود و ارزیابی صحیحی از خود نداشت، اظهار نظر اطرافیان در او تأثیر بسیاری می گذاشت. به همین دلیل، وی تملق را بسیار دوست داشت. شاید به همین دلیل است که کتاب «مأموریت برای وطنم»، پر از خودشیفتگی و خود برتربینی محمدرضا پهلوی است. در بخشی از این کتاب آمده است: «از اوان کودکی دانسته‌ام که دست تقدیر مرا به سرپرستی یک کشور باستانی و دارای تمدن که مورد ستایش من است خواهد گماشت و باید در بهبود وضع مردم کشور و مخصوصاً طبقه معمولی کوشش کنم.» «مأموریت برای وطنم»، در سال ۱۳۳۹ از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر شد. وی در بخش دیگری از این کتاب می نویسد: «به هر حال از سن شش یا هفت سالگی، اعتقاد و ایمان مداوم پیدا کردم که خدای بزرگ مرا پیوسته در کنف حمایت خود قرار داده و خواهد داد. ایمان به این امر رضایت قلب و اطمینان خاطر خاصی برای من فراهم آورده است». کتاب دیگر محمدرضا پهلوی با عنوان «به سوی تمدن بزرگ»، در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسید. یکی از مواردی که همیشه در باره کتاب های شاه محل بحث و تردید جدی است، این موضوع است که آیا به راستی نویسنده این کتاب‌ها خود شاه بود یا شخص دیگری؟ این تردیدها درباره کتاب «به سوی تمدن بزرگ»، بیشتر به چشم می آید؛ تا جایی که یکی از خبرنگاران در دادگاه هویدا، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از او پرسید که آیا نویسنده واقعی کتاب «به سوی تمدن بزرگ» را می شناسد و هویدا با احتیاط کامل، زیر لب، جواب داد: «از قول من ننویسید، ولی به کمک شجاع‌الدین شفا نوشته شده بود».

استالین، چرچیل و روزولت چه تصمیماتی در مذاکرات تهران گرفتند؟

تعیین تکلیف جنگ جهانی دوم در تهران

گروه اندیشه
lecture@khorasannews.com

در آذرماه ۱۳۲۲ و در بحبوحه جنگ دوم جهانی، تهران میزبان رهبران سه کشور متفقین، یعنی فرانکلین روزولت رئیس جمهور آمریکا، وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلیس و ژوزف استالین رهبر شوروی بود. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، این سه کشور، در سال‌های جنگ دوم جهانی، سه کنفرانس مهم در تهران، یالتا و پوتسدام تشکیل دادند و در آن ها، ضمن طرح نقشه‌های جنگی و استراتژی نظامی خود، درباره شرایط بین المللی و اوضاع جهان، بعد از پایان جنگ و همچنین، تقسیم ممالک جهان به مناطق نفوذ، به توافق‌هایی رسیدند. قسمتی از این توافق‌ها و قول و قرارها، پس از پایان جنگ جامه عمل پوشید و برخی دیگر، موجب بروز اختلاف و سوء‌تعبیرهایی شد که اساس اختلافات سیاسی طرفین و آغاز جنگ سرد و تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب بود. کنفرانس تهران که در چهارمین سال جنگ دوم جهانی تشکیل شد، تمام وقت خود را صرف طرح نقشه‌های جنگی و مراحل بعدی نبرد، تا شکست کامل آلمان کرد. انتخاب تهران برای تشکیل اجلاس رهبران متفقین، از مصوبات وزیران خارجه آمریکا، انگلیس و شوروی در مسکو بود. نشست مشترک «آنتونی ایدن» وزیر خارجه انگلستان، «کاردل هال» وزیر خارجه آمریکا و «مولوتف» وزیر خارجه شوروی در مسکو، در اولین روزهای آبان ۱۳۲۲، مقدمه اجلاس رهبران سه کشور در تهران محسوب می شد. البته، انتخاب تهران برای برگزاری چنین نشستی، پیشنهاد استالین بود که روزولت و چرچیل با آن موافقت کردند. کنفرانس تهران، در محل سفارت شوروی برگزار شد و شاه نیز برای شرکت در کنفرانس، ناگزیر بود به سفارت برود. در جریان کنفرانس، چرچیل و روزولت حاضر نشدند به دیدار شاه بروند و با وی تنها در محل سفارت دیدار می کردند. دیدار استالین با شاه نیز، در کاخ مرمر، با تلاش و خواهش یکی از اطرافیان شاه به نام احمدعلی سپهر (مورخ‌الدوله) از مسئولان سفارت شوروی صورت گرفت.

■ ایران کاره‌ای نبود!

با آن که واشنگتن و لندن، پیشنهاد مسکو را برای تشکیل اجلاس رهبران آمریکا، انگلیس و شوروی در تهران پذیرفته بودند، ولی به هیچ وجه دولت ایران را در جریان تصمیم خود برای تشکیل کنفرانس در تهران، قرار ندادند و حتی از مذاکرات کنفرانس نیز، گزارشی به مسئولان ایرانی ارائه نشد. آن‌ها فقط در روز ورود رهبران متفقین، علی سهیلی، نخست‌وزیر ایران را از برگزاری کنفرانسی با این حساسیت در پایتخت کشورش، مطلع کردند.

■ تصمیمات گرفته‌شده

در کنفرانس تهران، طرح عملیات نهایی برای درهم شکستن نیروی مقاومت آلمانی ها تهیه شد. مهم ترین این تصمیمات عبارت بودند از: ۱- ایجاد جبهه دوم و پیاده شدن قوای آمریکایی، انگلیسی، کانادایی و فرانسه آزاد در سواحل نورماندی فرانسه در ۱۶ خرداد ۱۳۲۳، ۲-ضد حمله بزرگ ارتش سرخ شوروی به نیروهای آلمان با هدف بیرون راندن قطعی آلمانی ها از خاک شوروی در تیر ۱۳۲۳، ۳- در کنفرانس تهران، درباره تجزیه آلمان نیز گفت‌وگوهایی انجام شد. روزولت تنها راه مجازات آلمان را تجزیه این کشور بیان کرد و چرچیل و استالین هم با این نظر مخالفت نکردند. با این که استالین پیشنهاد کنفدراسیونی کردن آلمان را رد می کرد و آن را تهدیدی علیه امنیت مرزهای شوروی می‌دانست، ولی پیشنهاد تجزیه آلمان را به‌عنوان پایه مذاکرات پذیرفت. طبق اسناد و مدارک محرمانه‌ای که بعدها درباره جریان مذاکرات کنفرانس تهران منتشر شد، استالین در این کنفرانس موضوع منابع نفتی ایران و کشورهای ساحلی خلیج‌فارس را نیز مطرح کرد و خواستار توافقی درباره تقسیم این منابع، در آینده شد. ولی چرچیل گفت که زمان طرح این مسئله نیست و مسائل اقتصادی جهان باید به طور کلی در پایان جنگ بررسی شود. اما بزرگ ترین موفقیتی که در کنفرانس تهران نصیب استالین شد، نزدیکی به روزولت و جلب اعتماد او بود که نتایج خود را در مدت باقی مانده جنگ و کنفرانس یالتا نشان داد.

■ عدم پایبندی به تعهدات

سران سه کشور بزرگ در تهران، در اعلامیه پایانی خود که شامل یک مقدمه، ۹ فصل و شش ضمیمه بود، استقلال و تمامیت ارضی ایران را تضمین و بر تعهد قبلی انگلستان و شوروی درباره تخلیه ایران به فاصله شش ماه بعد از پایان جنگ، تأکید کردند. ولی امضاکنندگان این اعلامیه، چندان به تعهدات خود درباره ایران پایبند نبودند؛ پافشاری انگلیس و شوروی برای کسب امتیازات نفتی از دولت ایران و به‌ویژه اقدام روس‌ها در منوط کردن خروج نیروهایشان از ایران به اخذ امتیاز نفتی دریای خزر، نقض آشکار حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران و نقض تعهداتشان در اعلامیه یادشده بود. زمانی که استالین اعلامیه احترام به استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را امضا می کرد، شهرهای شمالی ایران در اشغال ارتش سرخ بود و وقتی اعتبارنامه سید جعفر پیشه‌وری، نماینده حزب توده در نخستین روزهای کار مجلس چهاردهم رد شد، وی و قاضی محمد به‌عنوان رهبران دو حزب دموکرات آذربایجان و کردستان، با کمک نظامی روس‌ها در دو استان یاد شده، اعلام خودمختاری کردند. روس‌ها تا زمان انعقاد قرارداد تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی، در ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ و تشکیل کابینه ائتلافی با حزب توده در تهران، در ۱۰ مرداد ۱۳۲۵، حاضر به خروج از ایران نشدند. آمریکایی ها و انگلیسی ها نیز که در کنفرانس تهران، اعلامیه استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران را امضا کردند، به‌راحتی مایل به خروج از ایران نبودند. سه ماه پس از امضای اعلامیه، در اسفند ماه ۱۳۲۲، دو هیئت انگلیسی و آمریکایی، از طرف شرکت های نفتی شوکونی ـ واکیوم و سینکلر آمریکایی و شرکت رویال داچ شل انگلیسی ـ هلندی، به تهران آمدند و هر دو تقاضای امتیاز نفت در نواحی جنوب شرقی ایران را کردند. مذاکرات و حتی حضور این نمایندگان در تهران، محرمانه بود و جز چند تن از مقامات بلندپایه دولت، کسی از مذاکرات نخست‌وزیر با آنان اطلاعی نداشت. انگلیسی ها زمانی نیروهای خود را از شهرهای جنوبی ایران خارج کردند که توانستند طیف وسیعی از سیاسیون وابسته به خود را با تقلب در جریان چهاردهمین دوره انتخابات، راهی مجلس شورای ملی کنند. در همین دوره بود که سید ضیاءالدین طباطبایی، عامل کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹، که از ۲۲ سال پیش از آن در خارج از ایران و از جمله ۱۹ سال در اروپا زندگی می کرد، به خواست انگلیسی ها به تهران بازگشت و به‌عنوان نماینده به مجلس چهاردهم راه یافت.

کنفرانس تهران که در دوره دوم کابینه علی سهیلی برگزار شد، از ابتدا تا انتها به صورت محرمانه و بدون انتشار اخبار آن ادامه یافت. اولین خبر مربوط به این کنفرانس، پس از عزیمت رهبران متفقین به کشورهایشان، توسط سهیلی، در جلسه مشترک هیئت دولت، نمایندگان مجلس و سران لشکری و کشوری، روز دهم آذر ۱۳۲۲، منتشر شد. سهیلی گفت: ابتدا از طریق کاردار شوروی در تهران، در جریان برگزاری این اجلاس در تهران قرار گرفتم. وی افزود: روز ۴ آذر، استالین و روز ۵ آذر، روزولت و چرچیل وارد تهران شدند. کنفرانس مشترک آنان روز ۶ آذر شروع شد. روز هفتم آذر، نشست محرمانه آنان در سفارت شوروی جریان داشت و روز نهم این نشست خاتمه یافت و اعلامیه مشترک آنان منتشر شد و روز دهم، رهبران هر سه کشور از ایران خارج شدند.

> با آن که واشنگتن و لندن، پیشنهاد مسکو را برای تشکیل اجلاس رهبران آمریکا، انگلیس و شوروی در تهران پذیرفته بودند، ولی به هیچ وجه دولت ایران را در جریان تصمیم خود برای تشکیل کنفرانس در تهران، قرار ندادند و حتی از مذاکرات کنفرانس نیز گزارشی به مسئولان ایرانی ارائه نشد

گزارش تاریخی

بانیانی که از بانک اختلاس کردند

بانک به عنوان نهاد یا مؤسسه پولی و مالی، در شکل امروزی خود، یکی از نهادهای مدرن است که همزمان با تحولات دوران قاجار و گسترش ارتباط با غرب، توسط کشورهای خارجی در ایران تأسیس شد و روند آن در دوره پهلوی نیز ادامه یافت. از آن جا که تأسیس این نهادها در راستای منافع سیاسی کشورهای تأسیس کننده بود، در آن برهه تاریخی می‌توان فسادهای مالی را در این بانک‌ها امری بدیهی دانست. اتفاقی که برای بسیاری از نهادهای ایران در دوره پهلوی نیز تکرار شد و بانک ملی هم، یکی از این نهادها بود. این بانک با کمک آلمانی ها، در دوره رضاخان، به گسترش فعالیت‌های خود پرداخت. بانک ملی، در سال ۱۳۰۷ تأسیس شد. در اردیبهشت ۱۳۰۶، در دولت مستوفی الممالک، لایحه تأسیس بانک ملی ایران از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و اجرای آن به دولت ابلاغ شد. ماده اول این قانون، پیشرفت امر تجارت و فلاحت و زراعت و صناعت را سرلوحه هدف‌های این بانک قرار داده بود. البته تأسیس این بانک نیز، مصون از دخالت‌های کشورهای خارجی نماند و این بار، به جای انگلیس و روسیه، کشور آلمان در تأسیس این بانک دخیل بود. بر اساس قانونی که در آبان ماه سال ۱۳۰۶ از تصویب مجلس گذشت، به منظور ایجاد تشکیلات و انتظام امور بانکی با موازین صحیح و رایج در بانک‌های معتبر، هیئتی از متخصصان آلمانی استخدام شدند و با مدیریت دکتر کورت لیندن بلات، از شهریور ۱۳۰۷، شروع به ارائه خدمات بانکی کردند. با وجود مشارکت آلمان در تأسیس بانک و مدیریت آن، منابع بانک به طور کلی از داخل کشور تأمین می شد که شامل استقراض ملی، استفاده از موقوفات، اخذ مبالغ کلان از سرمایه‌داران به صورت اختیاری، اخذ مبالغ کلان از زمین داران و اشراف به صورت اجباری، جمع آوری طلا و نقره‌جات عامه مردم، فروش جواهرات دولتی، استقراض از کشور ثالث و انتقال خزانه دربار بود. بانک ملی در طول فعالیت‌های خود در دوره رضاخان، تا حدودی به اصلاح امور پولی و مالی کشور پرداخت؛ اما نتوانست از گزند اختلاس عوامل ایرانی و آلمانی خود در امان باشد. بعد از آن که بلات به عنوان اولین رئیس بانک کار خود را آغاز کرد، با استفاده از موقعیت کسب شده و با همدستی تیمورتاش، دست به اختلاس و فساد مالی زد.